



سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی



ویژه‌نامه مبارک فجر



روز آمده، تاج لاله بر سر زده است

فجر است و سپیده حلقه بر در زده است

خورشید حقیقت زافق سر زده است

با آمدن امام در کشور ما

اندیشه بارور شد، در امداد باران

از خون سرخ بمن سربز شد بهاران

بانگ سرود و وحدت آید ز چشمہ ساران

بر صخره‌های همت جوشیده خون غیرت

بر پندشت باور، حالی است جای یاران

والفجر بمن آمد، فصل شکستن آمد

از سخنان مقام معظم رهبری:

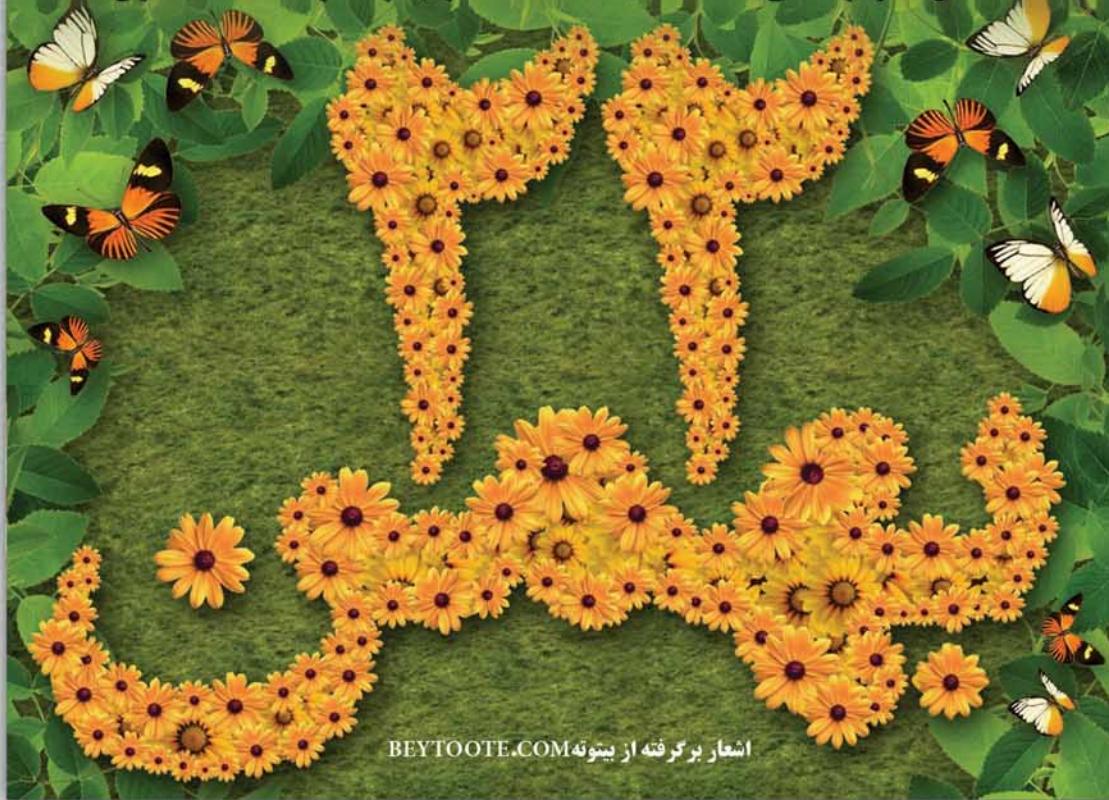
دهه فجر، سرآغاز طلوع اسلام، خاستگاه ارزش‌های اسلامی، مقطع رهایی ملت ایران و بخشی از تاریخ ماست که گذشته را از آینده جدا ساخته است. در دهه فجر، اسلام تولدی دوباره یافت و این دهه در تاریخ ایران نقطه‌ای تعیین‌کننده و بی‌مانند بشمارمی‌رود. تا قبل از انقلاب اسلامی، در ایران نظام اسلامی وجود نداشت و رابطه پادشاهان با مردم رابطه‌ی «غالب و مغلوب» و «سلطان و رعیت» بود و پادشاهان احساس می‌کردند که فاتحینی هستند که بر مردم غلبه یافته‌اند و حضرت امام رضوان‌الله تعالیٰ علیه این سلسله معیوب را قطع کردند و نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران بوجود آوردند و شمشیر اسلام مردم را علیه دشمنان اسلام، مردم و استعمارگران به کار گرفتند. دهه انقلاب از رشحات اسلام است و آئینه‌ای است که خورشید اسلام در او درخشید و این دهه باید با عظمت هرچه تمامتر برگزارشود. این مراسم را با هیجانهای عاطفی صحیح باید با طراوت و تازه کرد. در مذهب ما، احساسات، گریه و شادی، حب و بغض و عشق و نفرت جایگاه والایی دارد. از این رو جشن‌های دهه فجر می‌بایستی همچون مراسم و اعياد مذهبی گرامی داشته شود و مردمی باشد.





استخوان زندگی پوسیده بود
اسکلت‌ها را دهان بوسیده بود
از تن آله‌ها، جان می‌گرفت
عنجه‌هاشان را به دندان می‌گرفت
گوسفندان راضی از چوبانشان
کشته می‌شد بی صدا یا بی نشان
ناگهان، نوری درخشیدن گرفت
ایر رحمت نیز باربین گرفت
گوئیا آن شب شده صبح سپید
نور ایمان در دل آنها دمید
هم‌صدا با رهبر بیدار گر
دیو شد از کاخهایش در بدر
دست‌ها دست خدایی گشته بود
موسم جشن رهایی گشته بود
تهیت ای دوستان، همسنگران
سهم دارند از شماها دیگران

در مزار آباد شهر نیستی
مرگ وحشت با دهان اسلحه
دیو در تاریکی آن سال‌ها
خون سرخ شاهدان نوشیده بود
آدمی افسون شیطان پلید
گر کسی بیدار می‌شد ناگهان
در چنین ظلمت شب ایران زمین
روح روح ...، جان در تن دمید
آمد آن آرام جان از هجرتش
مردمانش گشته با هم متحد
مردم بیدار گشته می‌شدند
با غریو مشتهای لاله‌ها
نور حق تابید در دلهای ما
نارهای گشته اسیر نورها
سالگشت دیگری ازره رسید
شادی خود را کمی قسمت کنید





انقلاب و نخستین تنش فرهنگی

همه می‌دانیم که از دیدگاه قرآنی و روحانی در ضرورت و واجب پوشش اسلامی - که از آن به حق با نام حجاب که حافظ حریم بانوان است یاد می‌شود - تردیدی نیست و فقهای بزرگوار دین و حتی جمیع فرق اسلامی در آن اتفاق نظر دارند آنچه در این مختصر مورد اشاره است روند بیاده کردن این موهبت الهی برای جوامع اسلامی و بویژه برای جامعه ما بعد از انقلاب است شاهدان صحنه‌های انقلاب بخوبی ناظر بودند که در زمانی که نهضت به پیروزی کامل نرسیده و تشکیلاتی در تدوین و برنامه‌ریزی نبود انتخاب پوشش اسلامی و بویژه چادر انتخاب صدرصد اختیاری بانوان این مرز و بوم بود و حتی اقلیت‌های دینی که بعضًا پوشش به سبک اسلامی در بارهای دینیشان جانداشت از جهت ایرانی و انقلابی دانستن خود و به احترام اکثریت اسلامی پوشش ویژه را انتخاب کردند.

در تأیید سخن به مطلبی از آیه الله طالقانی اشاره می‌کنیم ایشان فرمود بعد از آزادی من از زندان در طبقه دوم منزلی نشسته بودم که برخیابانی اشرف داشت ناگاه مشاهده کردم که سیل بانوان با چادرهای مشکی برای دیدار من به سمت خانه در حرکتند تعجب نموده پرسیدم که ما امکاناتی برای آوردن این همه بانوی محجبه نداریم چگونه این همه از سطح مملکت به اینجا آورده شدند گفتند آقا همه اینها همان زنان تهرانی هستند که بدون پوشش اسلامی در رفت و آمد بودند امروز به برکت انقلاب همگی با اختیار خود به سمت حجاب رفته‌اند!

آری انقلاب ما ریشه فرهنگ دینی داشت همانگونه که اصل انقلاب خواست و انتخاب مردم بود عمل به منویات رسول گرامی اسلام وائمه معصومین - صلوات الله علیہم اجمعین - نیز نه بر اساس تحمل که بر اساس باور آنان بود ولی آنچه به تدریج تصور ذهنی اجبار را به ویژه با تبلیغات لیبرالیستی از نوع غربی درازهان وارد ساخت شدت هجوم فرهنگی به شکل نرم بس از نومیدی دشمنان در نبرد سخت بود تا جایی که در شرایطی کاملاً محسوس گشت که شب پرستان می‌خواهند سپیدی و جلوه زیبا و خدایی زن را ایزار سیاه بازی خود قرار داده و از این طریق بر هجمه خود برعلیه اهداف پاک انقلاب شدت بخشند اینجا بود که برنامه ریزان را برآن داشت که این راه را بر معاندان سد کرده نگذارند آنان در طرح خود موفق شوند لذا طرح پوشش در خارج از محیط خانه و خانواده که ضروری مسلم دین نیز بود در دستورالعمل‌های قانونی قرار گرفت، و جامعه ما که متوجه این مطلب بود در این رابطه به صورت غالب خود را هماهنگ نمود.

این نوشتار نیم نگاهی بود به آنچه از نظر فرهنگی در این رابطه انجام گرفت ولی همانگونه که اشاره گردید تردیدی در بین جمیع فرق اسلامی وجود ندارد که اصل حجاب از ضروریات بدیهیات اولیه دین است و از آنجا که نهضت ما یک انقلاب تمام عیار الهی و دینی است بررسی تأییدات قرآنی و روحانی نیز همواره در جایگاه خود در مرکز علمی دینی مطرح بوده و از طریق مکتوبات و رسانه‌ها در سطح عامه تبیین می‌گردد و صاحب نظران و فقهای عظام در جایگاه خود به وضوح بدان برداخته‌اند.





هوا بُوي باروت نمی دهد و زمستان دیگر سرد نیست.

نگران انجام این پروازند چرا که خطر انهدام هوایما یا ریومن آن در آسمان چیزی است که همه را تا لحظه فرود آن در فرودگاه تهران، نگران ساخته است.

هوایمای ایرفرانس حامل حضرت امام وقتی در آسمان تهران دیده می شود شور و شف مردم را فرامی گیرد. جمعیت میلیونی مردم سبب شده اداره امور حتی از توان کمیته ۷۰ هزار نفری استقبال نیز خارج شود. فاصله ۳۳ کیلومتری میدان آزادی تا بهشت زهرا مملو از جمعیت است، آنقدر که ماشین حامل حضرت امام قادر به طی مسیر نیست و بنچار از بالگرد استفاده می شود تا حضرت امام را به قطعه ۱۷ شهداً بهشت زهرا برساند. اینجاست که سخنرانی معروف حضرت امام ایراد می شود.

حالا ۳۵ سال از آن روز می گذرد. ۱۲ بهمن هر سال یادآور همان لحظه‌های تاریخی و بی نظیر استقبال مردمی از یک رهبر بزرگ است: لحظه‌هایی که تصاویرشان با سرود «دیو چو بیرون رود، فرشته درآید» گره خورده و برای مردم این سرزمین جاودانه است. لحظه‌هایی که همیشه تازه است. هوا بُوي باروت نمی دهد و زمستان دیگر سرد نیست.



حاظره ورود امام به میهن اسلامی

صبح دوازدهم بهمن سال ۵۷ است. هوا دیگر بُوي باروت نمی دهد. خیابان‌ها دیگر ردی از خون ندارد و خط سفید خیابان‌ها را گل‌های پوشانده که مسیر ورود حضرت امام را مشخص کرده است. روزنامه اطلاعات تیتر زده است: «امام آمد» و کیهان نوشته: «اولین پیام امام در وطن». خانه‌های تهران خالی از سکنه و خیابان‌ها مملو از جمعیت‌اند. آنها بی که مانده‌اند خودشان را رسانده‌اند به خانه‌هایی که تلویزیون دارند تا لحظه ورود حضرت امام را از طریق تلویزیون ببینند.

عده‌ای از مردم با قطع جریان پخش مستقیم ورود حضرت امام از تلویزیون به علت هجوم مأموران نظامی، از عصبانیت تلویزیون‌های خود را به خیابان پرت کرده‌اند. این را روزنامه کیهان، فردای ورود حضرت امام می‌نویسد. شادمانی و خوشحالی میان چهره‌های مردمی که به استقبال آمده‌اند موج می‌زند، هر چند می‌توان ردی از نگرانی را هم میان چهره‌هاشان خواند. حضرت امام نوبل لوشاتو را با صدور بیانیه و تشکری از مردم فرانسه ترک کرده و راهی ایران شده است. این در حالی است که همه علاقه‌مندان، دوستداران و نزدیکان ایشان،



سپیدنمای سیاه

.....تاریک بود اما روشن می نمود، سیاه بود اما سفید
می زد، خمودی بود اما نماد حرکت داشت، دروغ بود اما
راستی می نمود، و اپس گرایی بود اما ادعای رسیدن به
دروازه های تمدن داشت، ستم بود اما مدعی عدالت بود،
گرسنگی بود ولی سیری می نمود، اسارت و برداشتن زنان
بود اما وانمود رهایی داشت، گرفتگی بود اما نمود نشاط
داشت، مزار آباد بود اما حیات می نمود، خفقان بود اما دم از
رهایی و آزادی می زد، آری اینها همگی وارونه هایی بود که
البته حقیقتش بر روشن ضمیران آشکار بود؛ انسانهایی که
دریوزگی و وارونه نمایی دیوان آنان را نفریفت و توanstند
نقاب زیبا را از چهره وحشتتاک جادوگر برکنند و حقیقتش را
بردهای خفته آشکار کنند، و آنان را بیدار کرده تا پارو به
دست از قله بالا رفته و ابرهای سیاه را از چهره خورشید
بزدایند

آری اینگونه بود که نهضت بزرگ اسلامی قرن بلکه قرون
به ثمر نشست و چه زیبا و دلنشیں در بهار بهمن شاداب
۵۷ همه جا روشن گشت.

ولی همانگونه که از غولان استکباری انتظاری جز این نبود
از ابتدا تلاش جدی خود را برای کدر نمایی این فروغ آغاز
نمودند، آری شب صفتان همانسان که انتظار می رفت همه
ابزار ابیلیسی خودرا بکار گرفتند تا آنچه باید در سرعت
بخشیدن به روند این نهضت بکار گرفته شود بخش
اعظمش در حفظ اساس آن صرف گردد تا اینکه از سیر
صعودیش کاسته گردد و یا خدای ناکرده از اصل خود
منحرف شود.

اما آگاهی و آگاهی بخشی امام بزرگوار و جانشین
رفیع او در امتداد خط مستحکم ولایت، آیت حق حضرت
امام خامنه‌ای آنچنان هوشمندانه راه را برای بیشبرد نهضت
اسلامی هموار نمود که دیوان راهی جز تسلیم نداشته و
انشاء الله نخواهند داشت.





انقلاب و حقوق بانوان

به نظر می‌رسد که نگاه تحول محورانه بر حقوق و فعالیت‌های اجتماعی زنان که بر مبنای صداقت در گفتار و رفتار استوار بوده و متکی بر اصول اخلاقی، ارزشی و دینی پذیرفته شده باشد، ضروری است. به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران که گفتمانی جدید در حوزه اجتماعیات دینی و مباحث حقوقی مرتبط با آن و حقوق و آزادی‌های زنان شکل گرفت؛ چرا که امام خمینی(ره) در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود، در زمرة افتخارات انقلاب اسلامی، رهایی زنان از خرافه و محرومیت‌هایی را برشمرد که توسط دشمنان و دوستان ناآگاه از حقائق اسلام و مصالح مسلمین در رژیم طاغوت به وجود آمده بود.

بدیهی است که فراهم نمودن و مهیا کردن زمینه جهت ورود زنان در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی و... باید با ارائه الگوی مشخص و اهداف معین همراه باشد. هر الگو و سبکی در ایران پیشنهاد و اجرا شود، لازم است بر مبنای اصول پذیرفته شده و منطبق بر مبانی دینی و اخلاقی باشد و عرف ایرانی را لحاظ کند.

تغییر الگو و سبک زندگی

ورود بی‌برنامه و هدف‌گذاری نشده زنان در عرصه‌های آموزشی و ورود به بازار در عرصه‌های آموزشی و ورود به بازار کار و فعالیت‌های اجتماعی که پس از انقلاب به یمن اعتماد خانواده‌ها به حکومت، نظام و دست‌اندرکاران رخ داد، در عین آثار پربرکت و مبارک و تغییر در الگوی سنتی فعالیت و حقوق و بهره‌مندی‌های زنان، آسیب‌هایی هم در پی داشت؛ که این خود با الگوی اسلامی و سبک ایرانی اسلامی زندگی، هماهنگ نیست. این چالش‌های ایجاد شده و آسیب‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلف نگریست و مورد تقدیر و بررسی قرار داد:

الف. حوزه خانواده و نظام زندگی خانوادگی: پر واضح است که اساس فعالیت و تلاش‌های مرد و زن و خصوصاً زن باید بر اساس اصلالت دادن به نظام خانواده و انجام وظایف طبیعی هر یک در درون محیط خانواده باشد. بی‌برنامگی در ورود آموزشی و اجتماعی زنان، آفت‌زاست. عدم وابستگی به خانواده، بالا رفتن سن ازدواج، عدم علاقه به داشتن فرزند، طلاق‌های عاطفی، بزرگ شدن فرزندان بدون اشراف و سرپرستی و تربیت شایسته والدین خصوصاً مادر و...، از آفات این بی‌هدفی است.

ب. حوزه آموزشی و فرهنگی: آمارها حکایت از درصد بالای حضور بانوان در آموزش عالی دارد. در سال‌های اخیر درصد حضور زنان در تحصیلات کارданی و کارشناسی، بالاتر از مردان بوده و همانکون این درصد بالا به دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری نیز رسیده است؛ به گونه‌ای که در سال (۱۳۹۱) ۵۱٪ متقاضیان کارشناسی ارشد زن و ۴۹٪ مرد بوده‌اند! تحصیل در رشته غیر مرتبط و غیر دلخواه، بالا رفتن سن ازدواج، تغییر الگوی همسر مورد قبول و هم‌کفو بلکه نبود هم‌کفو مناسب برای بانوان تحصیل کرده و تغییر انتظار و توقع در این مورد، و نیز افزایید مردان و خصوصاً زنان مجرد، رهایی حرکت‌های بی‌ضابطه در این حوزه است.

ج. حوزه اجتماعی و کاری: به کارگیری بانوان در پست‌های غیر مرتبط، دستمزدهای پایین، خستگی مفرط از کار، عدم احساس آرامش و امنیت در محیط کار و امثال این موارد، هم می‌تواند نتیجه فعالیت بدون هدف‌گذاری زنان در این حوزه باشد.

برگرفته از ماهنامه معارف، شماره ۹۶





دنه فجر

تجدد عهد و میثاق ملت ما
با انقلاب است.
مقام معظم رهبری

لله

پویا و باوقار، شهوار می رویم

استاده بر مسیر، بیدار می رویم

در باغ انقلاب، شاد و بلند و سبز

هر روز تازه تر، پر بار می رویم

دانش سلاح ما، حق است یار ما

از ذکر یاحسین سرشار می رویم

ولیال عاشق





امام خمینی(ره):

انقلاب اصیل ما جلوه‌ای از نهضت پر عظمت حضرت رسول ... (ص) است.

برگزاری مراسم یاد بود خاطره شهدای انقلاب در دانشگاه شیخ بهایی

از برنامه‌های ضروری در دهه مبارک فجر-که در اولویت اول قرار دارد- یاد شهدای مظلوم انقلاب و تجدید خاطره این ریشه‌های ماندگار تاریخ است، به همین مناسبت صبح روز شنبه اولین روز دهه فجر مصادف با سالروز بازگشت امام بزرگوار انقلاب مراسمی در دانشگاه شیخ بهایی در نمازخانه مجموعه ۲ ساعت ۷:۱۵ با حضور ریاست محترم دانشگاه و معاونین محترم و سایر اساتید و کارکنان برگزار گردید، در این مراسم بعد از تلاوت آیات کلام الله مجید توسط استاد بهرامی پور مدیر کانون بسیج اساتید دانشگاه و همچنین خواندن زیارت عاشورا، آقای کاظمی امام جماعت و مشاور فرهنگی دانشگاه سخنان خود را با اشاره به جایگاه شهیدان انقلاب آغاز کرده و با استفاده از کلام امام امیرالمؤمنین(ع) به بحث پیرامون مقایسه انقلاب و نظام مقدس اسلامی با حکومت پنج ساله آن بزرگوار پرداخته و وجود برخی مخالفتها و اعمال مشکل‌آفرین از جانب بیگانه و نیز عوامل شیفتۀ هواي نفس را- در عین اشاره به لزوم نیاز به هشیاری کامل در این موارد - طبیعی دانسته و با توضیح نامه امام علی(ع) به یکی از استانداران خود، به سخنان خود خاتمه داد، یادآوری می‌شود که این مراسم همه ساله با حضور در گلستان شهدای گمنام شهر و غبارروبی از مزار پاک آنان بزرگار می‌شد که امسال به خاطر نامناسب بودن هوا در دانشگاه برگزار گردید.



امور فرهنگی دانشگاه شیخ بهائی

